

ماجرای عشق و عاشقی میدون

جداکردن ۲ شاخ بز

فیلمی از عباس جدیدی در جشنواره فجر

• پورسا عالمی: به نظر ما عباس جدیدی رو دور نیست، البته ممکن است شما بیرسید کی رو دور بوده؟ آهان... آن زمانی بود که ورز شکار بود و مدال آورد، آن موقع نه، آن موقع که بچه بود و رفته شهربازی و چرخ‌وفلک سوار شده بود- همان موقع که سه دور چرخ پنج تومان بود- آفرین آن موقع تنها زمانی بود که جدیدی رو دور بود؛ سه دور پنج تومان. جدیدی زندگی قدیمی و کلاسیکی داشت و مثل همه ورز شکارانی که در معرض دوبینگ قرار می‌گیرند و مدال می‌آورند، توانست به‌خوبی ندوبینگد و بمدالد.

(یعنی دوبینگ نکرد و مدال آورد) دقیقاً شبیه حسین رضازاده که هرگز ندوبینگد و بسیار بمدالد. جفت اینها هم که از محبوبیت زیادی در جامعه برخوردار بودند توانستند با رای بسیار بالایی وارد شورای شهر بشوند. یعنی چقدر؟ عباس جدیدی ۱۱۷ هزار رای آورد. تهران چند نفر است؟ ۱۲- ۱۳ میلیون نفر.

خلاصه عباس جدیدی مثل باقی اعضای شورای شهر تهران که کار بذ نمی‌کنند البته اگر کاری بکنند، داشت کار بدی نمی‌کرد که یکپهو عکس قشکنی با مرحوم منصور پورحیدری در بستر بیمارستان منتشر کرد. این عکس عباس را انداخت سر زبان‌ها. عباس شاکسی شد و نه‌تنها عکسکش را از اینستاگرام دیلِت کرد، بلکه چندنفر را هم بلاک کرد. در نهایت هم مجبور شد در یک برنامه تلویزیونی توضیحات علمی بدهد که «افق زاویه بدشن در عکس» آن طوری بوده. همین نظریه افق زاویه بدن احتمال اینکه نویل فیزیک را امسال به ایران بدهند به وجود آورد که متأسفانه می‌دانیم جایزه نویل سیاسی است و حق عباس در گرفتن نویل فیزیک خورده شد. درضمن انجمن فیزیک جایزه یک میلیون دلاری برای تعیین فرمول محاسبه دقیق افق زاویه بدن کرده است. بعد از این مسائِل علمی، عباس جدیدی با افق جدیدی از زاویه بدن، در حال کشیدن کارت و کمک مالی به یک انجمن خیریه عکس منتشر کرد که عیبی هم نداشت و عکس افقی بسیار زیبایی بود. رضا کیانیان اما بعد از فروپاشی پلاسکو در اینستاگرامش مردم را مقصر دانست که در انتخابات شورای شهر به ورز شکاران و هنرمندان رای داده بودند، نه آدم‌های متخصص و مسئول. اما عباس جدیدی که هم متخصص است و هم مسئول، معلوم نیست چرا این نوشته انتقادی رضا کیانیان را به خودش گرفت و به صورت علمی پاسخ داد: «شما که ادعا می‌کنید هنرمند هستی و حتی نمی‌توانی در سناریوهایت دوتا شاخ بز را از هم جدا کنی، چرا در مورد مدیریت شهری نظر می‌دهی و دخالت می‌کنی؟» متأسفانه بعد از این اظهارنظر علمی عباس جدیدی، هنرمندان زیادی به او اعتراض کردند که به نظر ما کار درستی نکردند. عباس حرف مهمی زده است. ما فکر می‌کنیم بعد از عباس کیارستمی که در سینمای ایران و جهان حرکت نویی آغاز کرد، الان نوبت عباس جدیدی است. چطور؟

این‌طوری که فقط بگویند تعریفش از سینما چیست که توش دوتا شاخ بز را باید از هم جدا کرد؟ و اصولاً تعریفش از بز چیست؟ و بگویند چرا شاخ‌های بز را از هم سوا می‌کنند؟ بعد از فیلم‌کاو دارپوش مهرجویی، اینک جهان منظر فیلم سواکردن دو شاخ بز ساخته سینماگر بزرگا، عباس جدیدی، است.

وصیت

سوفیاء... عشق من... در انتخابات شورای شهر اگر من کاندیدا شدم، جان مادرت به من رای نده. عاشق قدیمی تو؛ میدون دوم

تکته

چند پرسش درباره پلاسکو

- صدای گریه آتش‌نشان موقع پیداکردن پیکر همکاران آتش‌نشانش بلند است. زمانی که پیکری را بر برانکارذ قرار می‌دهند تا به آمبولانس برسانند، همکارانشان با صدای بلند یاحسین می‌گویند و لاله لا اله، روی پیکرها که برخی پرچم آتش‌نشانی دارد، گل‌های سفیدی می‌افکنند. صدای گریه و یاحسین شنیده می‌شود و این صحنه‌ها تنها بخشی از داغ بزرگی است که بر جان مردم و شاهدان این صحنه‌ها قرار می‌گیرد. شبکه خبر هنگام پیداشدن پیکر به‌گونه‌ای روایت می‌کند که انگار کنجی بزرگ از آنان در مکان شمال‌غربی ساختمان پلاسکو قرار دارد. ۸۵ درصد آوار به‌هم‌تئیده و به‌هم‌فشرده ساختمان پلاسکو برداشته شده و به هرندی رفته است که به قول مسجدجامعی، عضو شورای شهر، «تاکتسون بیش از ۹۰۰ کامیون بار خود را در این زمین هفت‌هکتاری تخلیه کرده‌اند، به طور میانگین هر پنج‌دقیقه یک کامیون نخاله‌های خود را تخلیه می‌کرده.» به گزارش رسانه، سمت چپ مخصوص آن‌هاست و سمت راست مخصوص آوارها.
- سؤال‌ها تمامی ندارد.
- چرا این دود تمام نمی‌شود؟ آیا این دود بخار آب است؟
- چرا تیر آهن چنین مذبذاب از دل آوار بیرون آمده است؟
- آیا واقعاً امکانات آتش‌سوزی ما برای اطفای چنین آتش و چنین فاجعه‌ای کافی است؟
- برای خانواده‌هایی که مقفودان خود را گزارش می‌کنند چه تدبیری اندیشیده شده است؟
- چه زمانی قرار است نخاله‌ها بررسی شود؟
- آیا دواترودر باقیمانده آوار پلاسکو دیوار کشیده می‌شود؟

عشق روزنامه

www.sharghdaily.ir

پنجشنبه ۷ بهمن ۱۳۹۵ • ۲۷ ربیع‌الثانی ۱۴۳۸ • ۲۶ ژانویه ۲۰۱۷ • سال چهاردهم • شماره ۲۷۸۷ • ۲۰ صفحه
اذان ظهر تهران ۱۲:۱۷ • اذان مغرب ۱۷:۴۵ • اذان صبح فردا ۵:۴۱ • طلوع آفتاب ۷:۰۸

روزنامه‌فردا

کار تون خواب

علی رومانی

aliromani84@gmail.com

سخنان ترامپ ادبیات نژادپرستانه نازی‌ها را تداعی می‌کند



تجربه دیگران

همسایه در سوگ پلاسکو

ملت دردکشیده و رنج‌کشیده افغانستان، شهادت این قهرمانان را به ملت ایران تسلیت می‌گویم.» حرکت می‌کنند؛ اما اگر خبر، دادن خبر به مادری باشد که سه پسرش را در یک لحظه در جنگ از دست داده است، نشدنی نیست؛ مادری در افغانستان به دلیل اینکه بتواند زندگی کند یا بهتر است بگویم، زنده بماند، هر پنج پسرش را روانه ارتش می‌کند. برای اینکه دیده شود و مورد توجه قرار گیرد، با ماشین در یک مسیر خطرناک جسد سه پسرش را به پایتخت می‌آورد و حالا از آن اتاق‌هایی که برای عروسی دو نفر آنها آماده کرده بود، صدای ناله می‌آید.

اخبار تجاوز، فساد، جنگ، خشونت و راهزنی و خبر دانشجوی ترم آخر مهندسی که دزدان برای گرفتن موتورسیکلتش او را می‌کشند و دخترتی که به‌زنگی با او نامزد شده بود را بیهوش می‌کنند و همه‌همه به یک‌بار پلاسکو رفته باشد و نداند عده زیادی از کارگران پوشاک و صنعت خیاطی که در طبقات بالایی پلاسکو مشغول بودند، مهاجران افغانستانی بودند که نجات جانشان را در این حادثه میدون خون آتش‌نشان شهید ایرانی هستند و این مصداق خون شریکی است، با فرد دیگری که در ایران مهاجر است، در توییت نوشت که اگر افراد مهاجر هم می‌توانستند خون خود را اهدا کنند، با کمال میل این کار را انجام می‌دادند. یکی از کاربران ایرانی این شبیه‌گه نوشت: «تو جنگ افغانستان مجسمه بودا فروریخت، اون موقع همه می‌گفتن از شرم فروریخت، فکر کنم دست راستش رفت زیر سر پلاسکو.»

فرد دیگری هم با اشاره به حادثه «آرگو» که در یک لغزش زمین صدها نفر زیر خاک ماندند، نوشت: «زاد وقتی که درمورد پلاسکو شنیدم، حادثه آرگو افغانستان توی ذهنم داره مرور میشه. گرچه من فقط پنج ساعت اونجا بودم، اما می‌دونم الان تهران چه جالی داره». یک عکس از جان‌فشانی‌ها آتش‌نشان‌ها که روی آن نوشته: «از طرف بچه‌های افغان؛ ایران تسلیت»، به طور گسترده‌ای بین کاربران دست‌به‌دست می‌شود.

این ابراز همدردی و واکنش کاربران افغان باعث شد تا برخی از کاربران ایرانی به آن واکنش نشان دهند: «انسان‌های پاک هرگز ذات خودشورور از دست نمیدن. به امید روزی که جنگ و خون‌ریزی در افغانستان موم‌بشه و افغانستانی آباد و شاد در همسایگی خودمون داشته باشیم.»

تاکتون بیش از ۸۵ درصد آوار پلاسکو برداشته شده و به‌این‌ترتیب امکان پیداشدن پیکرهای آتش‌نشانان و همچنین مردم عادی بیشتر فراهم شده است. تشییع پیکرهای آتش‌نشانی که قرار بود امروز ساعت هشت از دانشگاه تهران برگزار شود، به زمانی بعدتر موکول شده است. خانواده‌ها درخواست کرده‌اند حداقل پیکر آتش‌نشانان پیدا شود بعد برای آنها تشییع جمعی گرفته شود. با «عباس‌عبدی»، تحلیلگر و پژوهشگر، درباره مردم و خواسته‌های مدنی‌شان درباره این اتفاق دردناک و کاستی عملکرد مسئولان صحبت کرده‌ایم.

کا در این مدت واکنش‌ها و مطالبات زیادی در بحث پلاسکو مطرح شده و می‌شود، با وجود پیگیری گسترده مردم، فکر می‌کنید شعارها و مطالبات آنها در روز تشییع جنازه شهدای آتش‌نشانی چه خواهد بود؟

خواسته‌ها و مطالبات مردم در روز تشییع جنازه نیز مسئله چندان پیچیده‌ای نیست؛ همه مردم و

آینه‌های روبه‌رو

عبدی: رسانه رسمی نتوانست مردم را همراه کند

کا آیا مردم می‌توانند خواسته‌ها و مطالبات مدنی خود را در حوزة اداره شهر و مدیریت بحران‌های مشابه در قالب مراسم‌های این چنینی بیان کنند؟

از آنجا که مردم متشکل عهده‌دار مراسم تشییع پیکر شهدای آتش‌نشان نیستند، طبیعی است که شعارهای آن روز با لحن تندی طرح شود. در هر حال خوب بود حتی منشی دفتر یکی از ادارات ناحیه شهرداری منطقه حادثه استعفا می‌داد تا بلکه جامعه گمان کند کاری شده است.

ک فکر می‌کنید با توجه به بی‌اطلاعی مردم و ناقض‌های بسیاری که در اخبار پلاسکو وجود داشت، در مراسم تشییع جنازه مردم چه رویکردی داشته باشند؟

متأسفانه این نحوه اداره بحران نمره قبولی نکرفت. اطلاع‌رسانی مدیریت بحران بسیار نادرست و اشتباه بود و از آن بدتر، رفتار رسانه رسمی است که اطمینان مردم را نسبت به موضوع جلب نکرد و نتوانست آنها را با خود همراه کند.

یادداشت

اولویت ایمن‌سازی باشد

هم‌زمان با انتشار خبر شهادت آتش‌نشانان کشور، به‌صورتی گسترده در سطح خیابان‌ها برای ارج‌نهادن رشادت و ایثار



سیدحسین موسوی‌چلک*

این خدمتگزاران جامعه تلاش شد که اوج آن را در روز تشییع پیکر این عزیزان شاهد خواهیم بود. وظیفه اخلاقی مردم حضور در این مراسم و ادای احترام به افرادی است که جان‌شان را برای حفظ و نجات دیگران از زبانه‌های آتش پلاسکو فدا کردند. هرچه از این حادثه تلخ می‌گذرد، آتش‌نشانان بیشتر و بیشتر به ندام «مهربانی اجتماعی» بدل می‌شوند و تلاش و ایثار بیشتر و بیشتر در بستر جامعه نمود پیدا می‌کند. حضور مردم در این مراسم هرچقدر باشکوه باشد، مانع از آن نمی‌شود که قصورهای انجام شده در این فاجعه ملی نادیده گرفته شود. مردم ما نمی‌توانند از کنار مدیریت بحران‌زده بحران به‌سادگی عبور کنند و خواهان پاسخ‌گویی مدبران و مسئولان در سطوح مختلف مدیریتی‌شان هستند، مطالبه‌ای که اگر با پاسخی درست از سوی مسئولان همراه نباشد، به بازخواست می‌رسد. ما در کشوری زندگی می‌کنیم که حادثه‌خیز است و پایتخت‌مان شهری است که یک روز به دلیل سگي، رروز دیگر به دلیل توفان، یک روز برای خشک شدن سدها و روزی دیگر به دلیل آتش‌سوزی پلاسکو درگیر حادثه می‌شود. در چنین شهری، مدیران شهری چه کسانی هستند و چرا باید یک ساختمان بیش از شش روز در آتش بسوزد؟ با این حساب اگر زلزله‌ای احتمالی تهران را درنوردد، با چه فاجعه‌ای مواجه خواهیم بود؟ مطالبه اصلی مردم این است که اولویت تمام دستگاه‌ها در ۹۶ روزه‌ی ایمن‌سازی باشد. احساس ناامنی روانی به‌وجودآمده در جامعه، احساسی است که اثرات آن با پایان یافتن ماجرای پلاسکو و تشییع پیکر شهدای آن پایان نمی‌یابد، بلکه امروز به مطالبه‌ای عمومی در سطح جامعه بدل شده و مسئولان موظف به پاسخ‌گویی آن هستند. در این زمینه هرگونه اهمال، پذیرفتنی نیست و از سوی دیگر نیز هرگونه تسهلات مورد نیاز باید به بخش‌های مختلف داده شود تا در مواقع بحران، هیچ بهانه‌ای در میان نباشد. اگر با شعار ایمن‌سازی، سال ۹۶ را آغاز کنیم، تقویت بنیه‌های فرهنگی در این زمینه نیز در اولویت قرار خواهد گرفت. پلاسکو حادثه بزرگی نبود، اما به از دست‌دادن جمعی از فداکارترین خدمتگزاران جامعه انجامید؛ این سرمایه‌های اجتماعی کشور ما، نباید به دلیل ضعف مدیریت بحران جان خود را از دست می‌دادند؛ بنابراین با فروکش کردن شعله‌های پلاسکو، مردم این سؤال را مطرح خواهند کرد که چه تعداد از افرادی که در سطوح مدیریت بحران کشور ما حاضر هستند، در این زمینه ناشناس و توانایی دارند؟ این اجحاف در حق جامعه است که افرادی بر این صندلی‌ها بنشینند که توان اجرای مسئولیت‌های قانونی خود را ندارند و نسبت به مصیبت‌های به‌بارآمده پاسخ‌گو نیستند. غفلت از خانواده بزرگ پلاسکو که در این حادثه متضرر شده‌اند نیز اشتباه است. فراموش نکنیم هزاران نفر به‌صورت مستقیم یا غیرمستقیم از این حادثه دچار ضرر و خسارت شده‌اند و یک‌شبه زندگی‌شان زیر و رو شده است. اگر این افراد در روزهای آینده با حمایت‌های مالی و روانی مواجه نشوند، آسیب بزرگ‌تری جامعه را تهدید خواهد کرد. حمایت‌های روانی و اجتماعی را در روزهای پس از بحران بسیار جدی بگیریم، خانواده شهدای امدادگر و آتش‌نشان و خسارت‌دیدگان پلاسکو در اولویت هستند؛ اما می‌توان از همین بستر استفاده کرد و زمینه را برای حمایت روانی و اجتماعی از مردم و شهروندانی که یک هفته با چنین حادثه تلخی رو در رو بوده‌اند فراهم کرد.

***رئیس انجمن مددکاری ایران**

پیشنهاد

لاک پشت پرنده با یاد آتش‌نشانان برگزار می‌شود



و مترجمان کتاب‌های برگزیده دیدار و گفت‌وگو و برای شرکت در این برنامه که هفتم بهمن‌ماه، ساعت ۱۷ برگزار می‌شود، می‌توانند به خیابان دکتر شریعتی، بالاتر از تقاطع مطهری، نبش کوچه کلاته، فروشگاه مرکزی شهر کتاب مراجعه کنند.

سلام به فردا

در حسرت هلیکوپتر آب‌پاش هستیم

تشییع پیکر شهدای آتش‌نشان به تأخیر افتاده و این تأخیر، در جامعه با پرسش‌هایی همراه بوده؛ اما به‌طور قطع، حضور مردم در مراسم تشییع پیکر شهدای آتش‌نشان، پیشاپیش با هدف



فاطمه راکی*

تقدیر و تمجید صمیمانه و ملی از خدمتگزاران ملت در حوزه آتش‌نشانی برگزار خواهد شد و به تبع آن، اولین شعار و مطالبه آنها، قدردانی از فرزندان رشید ملت خواهد بود که همه روحیه‌ای ایثارگر و فداکار داشته‌اند و در این آزمون مهم، با جان‌فشانی‌های خود، نجات‌بخش مردم بوده‌اند. اما مطالبه مردم در روز بدرقه این عزیزان، درخواست جدیت بیشتر از مسئولان و همه ارگان‌های ذریبط در بحران‌های اجتماعی جامعه است. ما در چنین حوادثی نیاز به قوانین لازم و کارا، تجهیزات بی‌روزه که بتوان به آنها اعتماد کرد و مدیریت درست و آگاهانه داریم؛ چراکه از پلاسکو آموختیم برای پیشگیری این فاجعه، باید قوانینی تصویب می‌شد که نشده بود، باید تجهیزاتی می‌داشتیم که نداشتیم و باید مدیرانی در صحنه بحران حضور می‌داشتند که نبودند. من این روزها مانند مردم ایران، در حسرت هلیکوپتر آب‌پاشی هستم که اگر در ساعت‌های اولیه به پلاسکو می‌رسید، ابعاد فاجعه تا این اندازه نبود. در حسرت شلنگ‌های آتش‌نشانی هستیم که می‌توانست تا طبقات بالایی پلاسکو برود و آتش را مهار کند؛ اما جای خالی‌شان احساس می‌شد. من هم مثل همه مردم ایران در حسرت تجهیزاتی هستم که باید همیشه برای چنین مواقعی آماده باشند؛ اما نبودند و جان‌فشانی آتش‌نشان‌ها نیز نتوانست جای خالی آنها را پر کند. آیا نمی‌توانستیم از شهادت آتش‌نشانان در چنین حادثه نجات‌سگینی جلوگیری کنیم؟ آیا همیشه باید در بحران دراییم چه کمبودهایی در سطوح مختلف ترم‌افزاری و سخت‌افزاری داریم؟

مطالبه روز تشییع جنازه پیکر شهدای آتش‌نشان، مطالبه امنیت، آرامش و زندگی در شهری ایمن است و دستگاه‌های مسئول باید بدانند هرگونه نقصان و کمبودی، بیش از آنکه چنین فاجعه‌ای را به بار بیاورد، باید از طرفی رسانه‌ای شده تا همکار در جهت رفع آن بکوشند. مردم ایران پس از پلاسکو مسئولانی با مسئولیت‌پذیری بیشتر می‌خواهند؛ مسئولاتی می‌خواهند که برای جان، مال، روان و آسایش مردم، خود را در وقت کنند؛ نه آنهایی که در جریان مسائل پشت پرده از یاد برده‌اند در شهری مدیریت دارند که ساختمان‌های بسیاری مانند پلاسکو دارد. نگرانی مردم از زلزله تهران، بعد از پلاسکو شدت یافته. سال‌هاست گفته می‌شود تهران روی خط زلزله قرار دارد و تنها کاری که مسئولان دراین‌زمینه انجام داده‌اند، مانورهای آمادگی در مدارس است. آیا برای آمادگی برابر زلزله، همین‌ها کافی است؟ آیا تجهیزات کافی برای مقابله با زلزله و کاهش خسارت‌های مالی و جانی آن داریم؟ آیا قانون‌گذاری دراین‌زمینه به طور کامل انجام شده تا روز پس از زلزله، تکرار روز سی‌ام دی ماه ۹۵ نباشد؟ آیا مدیران وظیفه‌شناس و کارآمدی را در حوزه مدیریت بحران داریم تا روز پس از زلزله از تصمیمات و رفتارهایشان، انگشت به دهان نمانیم؟ آیا برای زلزله آماده‌ایم یا منتظریم که اتفاق بیفتد و آه و ناله را آغاز کنیم؟ وضع قوانین، تأمین وسایل و تجهیزات و استفاده از مدیران و مسئولان مسئولیت‌پذیر، سه مطالبه اصلی مردم پس از حادثه پلاسکوست. در روزهایی که مردم با مشکلات مختلف اقتصادی و حتی فرهنگی و اجتماعی دست به گریبان هستند، ممکن است متوجه خطرهای اطراف خود نشوند و اظهارهای احتمالی را جدی نگیرند. این مسئولان هستند که وظیفه دارند شهرهای ما را به سمت ایمن و امن‌شدن حداکثری پیش ببرند و مطمئن باشند دراین‌زمینه، مردم همراه آنها خواهند بود.